

دکتر خسرو فرشیدورد

استاد دانشگاه

دستور تاریخی زبان فارسی

اشاراتى دربارهٔ تحول فعل در زبان فارسی دری

۱۳- ضمایر فاعلی (ام، ای، او، ایم، اید، اند) در قدیم به قرینه حذف می‌شده‌اند و این کار تا قرن هفتم ادامه داشته است و در تاریخ جهانگشا نیز نمونه آن دیده می‌شود. به مقدمهٔ آن کتاب به قام محمد قزوینی من قیه نگاه کنید: هر دویی را چند نوبت کشش و غارت کردند و سالها آن تشویش برداشت (تاریخ جهانگشا من ۱۳۷۵) یعنی برداشتند. ایلچی می‌فرستادند و از وصول چنگیز خان اعلام می‌کرد و... تحذیر می‌نمود و تسدید می‌کرد (همان کتاب من ۱۳۱۲).

۱۵- برای متعدی کردن فعل علاوه بر آنچه امروز رایجست دو شیوهٔ دیگر نیز در قدیم معمول بوده است (شاید تا قرن ششم):

۱ - یکی تبدیل مصوت «ا» در «ان» (میانوند متعدی کردن) به مصوت کوتاه مانند : جوشنیدن آگاهنیدن ، خوابنیدن ، هراسنیدن و روینیدن به جای : جوشانیدن ، آگاهانیدن و خوابانیدن (۱).

۲ - تبدیل مصوت کوتاه «a» (فتحه) در بعضی از افعال لازم به مصوت بلند «ا» برای متعدی کردن آنها مانند تبدیل نشستن و گشتن و برگشتن به نشاستن و گاشتن و برگاشتن به ترتیب به معنی نشاندن و گردانیدن و برگردانیدن .

این دونوع مورد استعمال از قرن پنجم و ششم به بعد منسوخ می شود.

۱۶ - منسوخ یا محدود شدن قیدهای پیشوندی - قیدهای پیشوندی مانند فرود ، فراز ، بر ، در ، فرا ، اندر ، فرو ، وا که تا قرن هفتم فراوان بکار می رفته اند در پهلوی و در فارسی دری قدیم اغلب کلمات مستقلی به شمار می آمده و بسیاری از آنها بصورت اسم ، حرف اضافه ، صفت و قید استعمال می شده اند و هنگامی که بر سرفعل در می آمده اند بیشتر در حکم قید بوده اند بنابراین بهتر است آنها را پیشوند قیدی بنامیم. این تغییرات در طول تاریخ درباره اینگونه کلمات و ابزارها صورت گرفته است:

۱ - استعمال بعضی از این کلمات به صورت اسم ، صفت و وابسته ساز (حرف اضافه) منسوخ شده است. از این قبیلند فرا ، فرو ، فرود .

۲ - فعلهایی که از ترکیب آنها بوجود می آمده همانطور که مرحوم بهار هم در سبک شناسی نوشته کم شده و بتدریج از بین رفته است و امروز منحصر به چند فعل «فسرده» که از قدیم باقی مانده است گردیده از قبیل برآمدن برگرداند ، برگشتن ، فرورفتن ، دررفتن ، درکردن ، فرو کردن ، فرو ماندن . امروز به جای اینگونه کلمات قیدها و کلمات دیگری مانند پیش ، بالا ، پائین ، خارج ، داخل ، درون و بیرون رایج شده است .

۱ - به تعلیقات آقای علی رواقی در تفسیر پاک ص ۱۴۸ چاپ بنیاد فرهنگه ایران

نگاه کنید.

مانند پیش رفتن، بالا آمدن، پائین رفتن، داخل شدن و غیره.
 ۳- استعمال اینها (جز در مورد در، بر، اندر) به صورت حذف اضافه نیز منسوخ شده است (۱).

۱۷- منسوخ شدن میانوند «ا» - میانوند فعلهای دعا می ساخته اند مانند کناد، رواد، میراد، مرواد، می ساخته اند ولی از قرن دهم به بعد و شاید پیش از آن نیز این مورد استعمال منسوخ شده مگر در کلماتی که از قدیم مانده اند مانند باد و میبادا.

۱۸- منسوخ شدن پسوندهای فعلی «ا» (۲) و «ای» در افعال - «ا» به آخر ماضی و مضارع در می آمده است و در آخر مضارع گاهی دعا می ساخته است مانند: کم بیندا چون من کسی آن روی شهر آرای تو. و گاهی هم نقش خاصی نداشته است مانند: آهوی کوهی دردشت چگونه بودا. این موارد استعمال از قرن ششم به بعد منسوخ می شود.

«ای» بیشتر به فعلهای التزامی می چسبیده و بر شرط، تمنا، حسرت و دریغ دلالت می کرده ولی گاهی با فعلهای اخباری هم می آمده و بر استمرار و عادت دلالت می نموده است. استعمال این پسوند تا قرن نهم تیز ادامه داشته است (در دارابنامه بینمی) و در ادوار بعد در آثاری که به تقلید از قدما نوشته

۱- از جمله تحولاتی که در فارسی دری رخ داده، کم شدن وابسته ساز (حروف اضافه) و پیوندهاست که در فارسی دری قدیم بیشتر بوده اند و استعمال گروه پیوندی یا وابسته ساز (مانند به علت، به سبب، به وسیله (گروه اضافی) و به علت اینکه و به سبب اینکه (گروه پیوندی) بجای آنهاست.

۲- «ا» به آخر اسمها و صفات و اصوات نیز می چسبیده است مانند: دریفا خدایا، بسا، بزرگامردا و در این صورت معانی و موارد استعمال گوناگونی داشته. این پسوند دیگر این مورد استعمال را ندارد مگر در کلماتی که از قدیم باقی مانده اند مانند خدایا، دریفا، بسا.

شده (مثلا در تفسیر زوارهای) نیز دیده می شود و پروفوسور لازار تحقیق منمنی در باره این پسوند و موارد استعمال آن کرده است . (به کتاب زبان کهنترین آثار شرق فارسی (۱) چاپ ۱۹۶۳) رجوع کنید.

استعمال پسوند «ای» امروز از بین رفته و این پسوند بطور جامد و فسرده تنها در «بایستی» و «می بایستی» برجای مانده است.

۱۹- «به» - به امروز از نشانه های وجه امری و التزامی است و بهمین سبب در این زمان باید آنرا «به» وجه فعل نامید (نه به زینت یا به تأکید). «به» در قدیم یا هیچ نقشی نداشته و یا جنبه تأکیدی داشته است و بر سر همه افعال اعم از ماضی مطلق (برفت)، ماضی استمراری (همی برفت)، ماضی نقلی (برفته است)، ماضی بعید (برفته بود، پداشته بود، بیهقی ۱۸۶)، و افعال دیگر بر سیدی، بیهقی ص ۳۶۰، فعل مجهول (پداشته آید) در می آمده است.

چنانکه گفتیم این کلمه بخصوص در شعر گاهی هیچ نقشی نداشته است تنها برای بلند کردن فعل و تکمیل شدن وزن شعر می آمده است دلیل آن اینکه فعل با «به» فعل بی «به» عطف می شده است مانند «برید و درید و شکست پیست». در نشر نیز از این ضوونها هست مانند: امیر گفت سپاهسالار راه پاید رفت و گذر بر مفسدان ساربانان تنگ باید کرد با لشکری (بیهقی ص ۳۳۹). گاهی استعمال «به» بر اثر عادت بوده است و بدون آنکه «به» دارای معنی و نقش خاصی باشد با بعضی از فعلها بر اثر عادت بکار می رفته است.

گاهی «به» پیشوند اشتعاقی بوده است نه پیشوند صرفی و در آن صورت معنی فعل را تغییر می داده است مانند: بگردن یعنی دور کردن. پداشتن یعنی طول کشیدن. جز که نباشد حلال دور بگردن (۲)

بچه کوچک ز شیر مادی و پستان
(رودکی) ناتمام

1-La Langue des Plus Anciens Monuments de la Prose Persane

۲- در پهلوی «به» گاهی قید بوده است به معنی «دور» و «جدا» بکار می رفته است و بگردن یعنی «دور کردن» ولی در فارسی دری برای تأکید این معنی «دور» نیز بر آن افزوده شده است.
«به» در پهلوی پیوند نیز بوده است و در آن صورت «اما» معنی می داده و در این صورت پیشوند صرفی نبوده است.